منابع خطبه «خطّ الموت علی ولد آدم»

این کتابی که الآن می‌خواهم خدمت شما بخوانم، کتاب لهوف مرحوم سید بن طاووس است. ایشان می‌فرمایند:

> وَ رُوِيَ أَنَّهُ لَمَّا عَزَمَ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ قَامَ خَطِيباً فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَى أَسْلَافِي اشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ وَ خَيْرٌ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لَاقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأْنَ مِنِّي أَكْرَاشاً جُوفاً وَ أَجْرِبَةً سُغْباً لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رِضَا اللَّهِ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصْبِرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُوَفِّينَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُذَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص لُحْمَتُهُ وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يُنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؟[1]

در زمانهای مختلفی برخی از کتابها این روایت را آورده‌اند. مثلاً این کتاب برای مرحوم سید است که برای قرن هفتم است که می‌فرمایند «روی». دو کتاب برای اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هست؛ ۴۲۱ ، ۴۲۲وفات آن دو مؤلف است. این دو کتاب، اسبق کتبی هستند که این خطبه را در آنها دیدم. یکی از آنها کتاب «نثر الدرر فی المحاضرات»، برای أبو سعد منصور بن الحسین الآبی است. ای آوی، آوه ای آبه، قریه‌ای است نزدیک ساوه. از قدیم اهل آن جا معروف به تشیع بودند. در کتابهای مختلف هم وصف آنها آمده است. منصوربن حسین ابوسعد آبی برای آن محل است و به وزارت هم رسیده وخیلی در فضل معروف است و مورد احترام همه است. حتی کتاب نثر الدرّر ایشان ظاهراً در مصر چاپ شده است. به‌عنوان کتاب ادبی خیلی خوب و الآن هم در سایت رسمی الشاملة که همه کتابها را دارد، این کتاب نثر الدرر موجود است.

این خطبه در کتاب نثر الدرر ابو سعد آبی موجود است[2]. و الآن در سایت رسمی الشاملة هم می توانید آن را پیدا کنید. این یک مأخذ است. مأخذ دیگر هم در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم است، کتاب تیسیر المطالب[3] است که برای سید ابوطالب است که از بزرگان زیدیه است. خودش از

ذریه حضرت زید است. او با سند نقل می‌کند. ظاهراً آبی، مرسل آورده است، اما در کتاب تیسیر برای آن سند ذکر کرده است[4]. همچنین خوارزمی مؤلف معروف در مقتل الحسین همین خطبه را با سند ذکر کرده است[5]. مرحوم سید هم در اینجا به‌صورت مرسل می‌آورد. در کشف الغمة علی بن عیسی اربلی هم آمده است[6]. در کتابهای متعددی آمده. در کتابهای متأخر مثل بحارالانوار هم آمده است[7]. علی ای حال این خطبه طوری است که معروف است و می‌توانید در جاهای مختلف آن را پیدا کنید.

در اینجا دارد:

> «لَمّا عَزَمَ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الْعِراقِ خَطَبَ أَصْحابَهُ فَقالَ الْحَمْدُ لِلّهِ ما شاءَ اللّهُ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّهِ وَ صَلَّى اللّهُ عَلَى رَسُولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتاةِ وَ مالِي أَشْتاقُ إِلَى أَسْلافي اشْتِياقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ وَ خُيِّرَ لي مَصْرَعٌ أَنا لاقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصالي تَتَقَطَّعُها عَسَلانُ الْفَلَواتِ بَيْنَ النَّواوِيسِ وَ كَرْبَلاءَ فَيَمْلَأانِ مِنّي أَكْراشاً جُوفاً وَ أَجْرِبَةً سُغْباً لا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رِضا اللّهِ رِضانا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصْبِرُ عَلَى بَلائِهِ وَ يُوَفِّينا أُجُورَ الصّابِرِينَ لَنْ تَشُذَّ عَنْ رَسُولِ اللّهِ ص لُحْمَتُهُ وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يُنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ مَنْ كانَ باذِلاً فِينا مُهْجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلَى لِقاءِ اللّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنا فَإِنِّي راحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شاءَ اللّهُ تَعالَى». این نسخه ای است که مطابق با نقل مرحوم سید بن طاووس در کتاب لهوف بود.

این خطبه شریفه دلالت واضح دارد که امام علیه‌السلام وقتی از مکه عازم عراق بودند، قضایای آینده را اخبار می‌کنند. تعبیراتی مانند: «کأنّی باوصالی»، «لا محیص عن یوم خطّ بالقلم».

---

[1] اللهوف علی قتلی الطفوف ص۶۰

[2] کتاب نثر الدرر في المحاضرات، ج ۱، ص ۲۲۸

[3] تیسیر المطالب في أمالي أبي طالب، ص ۳۴۵

[4] أخبرنا أبو العباس أحمد بن إبراهيم الحسني رحمه الله تعالى، قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن أيوب البجلي، قال: حدثنا علي بن عبد العزيز العكبري، قال: حدثنا الحسن بن محمد بن يحيى عن أبيه، عن تميم بن أبي ربيعة الرياحي، عن زيد بن علي، عن أبيه عليه السلام أن الحسين بن علي عليه السلام خطب أصحابه فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: أيها الناس خط الموت على بني آدم كخط القلادة على جيد الفتاة، ما أولعني بالشوق إلى أسلافي اشتياق يعقوب عليه السلام إلى يوسف وأخيه، وإني لي مصرعا أنا لاقيه، كأني أنظر إلى أوصالي تقطعها وحوش الفلوات غبرا وعفرا، قد ملأت مني أكراشها رضى الله رضانا أهل البيت، نصبر على بلائه ويوفينا أجور الصابرين، لن تشذ عن رسول الله حرمته وعترته، ولن تفارقه أعضاؤه، وهي مجموعة له في حظيرة القدس تقر بهم عينه، وتنجز بهم عدته، من كان فينا باذلا مهجته فليرحل فإني

راحل غدا إن شاء الله، ثم نهض إلى عدوه فاستشهد (صلوات الله عليهم).

[5] مقتل الحسين، ج ۲، ص ۸

[6] کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۳۹

[7] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶

> * **دانلود کامل فایل صوتی جلسه اول**

بازبینی #9
ایجاد شده 10 ژوئیه 2024 11:48:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 ژوئیه 2024 14:32:31 توسط ... .